

جرارد لیباردین^۱

از زمان استقلال، اصول زیر بر سیاست خارجی ارمنستان حاکم بوده است:

۱. عادی‌سازی روابط با کشورهای همسایه؛

۲. توسعه همکاری‌های منطقه‌ای؛

۳. همگرایی با سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۴. تلاش برای حل بحران ناگورنو قره‌باغ.

هفت عامل عمده بر توانایی دولت ارمنستان در رسیدن به این اهداف تأثیرگذار

است: جغرافیا، تاریخ، ملاحظات امنیتی، بحران ناگورنو قره‌باغ، اقتصاد، سیاستهای

داخلی و دیاسپورا. برخی از این عوامل کاملاً دائمی هستند در حالی که عوامل دیگر

قابل تغییر می‌باشند.

اولین عامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی، جغرافیای این کشور است. ارمنستان

با دو کشور قدرتمند ایران و ترکیه و دو کشور هم‌سطح خود از نظر قدرت یعنی

آذربایجان و گرجستان همسایه است. روسیه اگرچه با ارمنستان مرز مشترک ندارد، اما

به علت تأثیر بر روند تحولات منطقه‌ای از دیدگاه سیاست خارجی ارمنستان یک کشور

۱. آقای جرارد لیباردین، مشاور سابق وزیر امور خارجه ارمنستان و محقق ارشد انستیتو شرق - غرب نیویورک است. متن فوق تلخیص سخنرانی وی در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در مهرماه سال ۱۳۷۹ است.

همسایه محسوب می‌شود. موضوع مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد این واقعیت است که در این خصوص سیاست خارجی ارمنستان به موازات وقوع تغییرات در کشور همسایه مجبور به سازگار کردن خود با این تغییرات است.

دومین عامل تاریخ می‌باشد که پویا است، دائماً تکرار می‌شود و سیاستها و ایدئولوژی‌های سیاسی را ایجاد می‌نماید. اما برداشت از تاریخ تغییر می‌کند.

باتوجه به این نکته، ملت ارمنستان یک احساس مشترک دارند که زمانی یک ملت بزرگ بوده‌اند اما تحت تأثیر عوامل مختلف، بویژه در اثر کنش متقابل با قدرت‌های اشغالگر و سلطه‌جو به ملتی کوچک تبدیل شده‌اند. برداشت ارمنی‌ها از دیگر قدرتها بر سیاست خارجی این کشور تأثیر مستقیم دارد. این موضوع کاملاً در روابط اخیر با کشورهای ترکیه و روسیه صادق است. در نتیجه کشتار دسته‌جمعی ارمنی‌ها در زمان امپراتوری عثمانی، حضور روسیه در ارمنستان به‌عنوان یک عامل مثبت نگریسته می‌شود که می‌تواند امنیت این کشور را تضمین کند. لذا ملت ارمنستان از جانب روسیه احساس امنیت می‌کند. جانشینی رسمی دولت ترکیه به جای امپراتوری عثمانی و عدم پذیرش مسئله قتل عام ارمنی‌ها بر احساس ملت ارمنستان در مقابل این کشور تأثیر منفی گذاشته است.

نگاه دولتهای اول و دوم ارمنستان بعد از استقلال نسبت به این موضوع متفاوت بوده است. لئون تر پتروسیان، اولین رئیس‌جمهور این کشور معتقد بود که موضوع قتل عام ارمنی‌ها نباید مبنای سیاست خارجی در مقابل ترکیه قرار گیرد. در حالی که رابرت کوچاریان رئیس‌جمهوری کنونی، موضوع قتل عام ارمنی‌ها را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است. در مقابل، ترکیه نیز عادی‌شدن روابطش را با ارمنستان به حل بحران قره‌باغ مرتبط ساخته است. در حقیقت ترکیه با این کار سیاست خارجی خود را گروهان حمایت از موضع آذربایجان در مذاکرات صلح قرار داده است.

ملاحظات امنیتی سومین عامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی این کشور است. اتحاد

جماهیر شوروی یک سیستم امنیتی مناسبی برای ارمنستان بود. اما با فروپاشی آن، خلاء امنیت در منطقه ایجاد شد که CIS یا هیچ سازمان دیگری نتوانست آن را پر نماید. ارمنستان در تدوین مفهوم امنیتی خود مجبور است وجود روابط یا فقدان روابط با ترکیه را مد نظر قرار دهد. چهارمین عامل که دولت ارمنستان آن را به ارث برده است؛ مشکل قره‌باغ است. مهمترین پیامد این بحران بر سیاست خارجی این کشور این است که قادر به عادی‌سازی روابط خود با جمهوری آذربایجان و همچنین ترکیه که از موضع این جمهوری حمایت می‌کند و گسترش روابط خود را با ایران پیش‌شرط حل بحران قره‌باغ قرار داده، نیست. پیامد دیگر ناشی از این بحران، تأثیر منفی بر توانایی این کشور در پیگیری یک سیاست خارجی فعال در منطقه و در جوامع بین‌المللی است.

پنجمین عامل اقتصاد است که در زمان شوروی سابق در مسکو طراحی می‌شد و نه در ایران. به همین دلیل تلاش دولت برای انتقال به اقتصاد بازار آزاد موجب مشکلات زیادی شده است. اقتصاد شوروی سابق به نحوی طراحی شده بود تا موجب وابستگی جمهوری‌ها به مرکز و به یکدیگر شود. اکنون این کشور از نظر اقتصادی در یک وضعیت متزلزل و خطرناک قرار دارد. این جمهوری برای دریافت کمک‌های خارجی و جذب سرمایه‌گذاری غرب و در مسائل امنیتی و انرژی به مسکو وابسته است.

در خصوص کمک‌های یکجانبه ایالات متحده، توجه به این نکته مهم است که برخلاف اعتقاد عمومی، این واشنگتن است که به‌طور مستقیم و بدون نظارت دولت ارمنستان مقدار و نحوه استفاده از این کمک‌ها را در این جمهوری تعیین می‌کند.

ششمین عامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی، سیاست‌های داخلی است. بازیگران سیاسی اعم از احزاب و شخصیت‌ها به نظر می‌رسند که طرفدار روسیه، آمریکا، ایران و یا کشورهای دیگر باشند. در این کشور سیاست‌های داخلی و خارجی بیش از هر چیزی به یکدیگر وابسته شده‌اند. دیاسپورا، آخرین عامل است. در حال حاضر دولت ارمنستان انتظارات عمده‌ای بخصوص در دو

زمینه مهم جذب سرمایه‌گذاری و اعمال فشارهای سیاسی از دیاسپورا دارد. توجه به این نکته ضروری است که دیاسپورا نیز محدودیت‌های خاص خود را بخصوص از لحاظ مادی دارد. از لحاظ اقتصادی، سرمایه ارمنی‌ها یک سرمایه فردی محسوب می‌شود. برخلاف انتظار بعضی گروه‌ها، بخصوص بخش‌هایی از دولت، اعمال نفوذ سیاسی دیاسپورا در بحران قره‌باغ نتیجه مهمی در پی نداشته است. به همین دلیل دولت پطروسیان در مقابل لابی ارمنی بسیار محتاط بوده و انتظار زیادی از آن ندارد.

دو عامل مهم دیگر تأثیرگذار بر سیاست خارجی وجود دارد. اولین عامل رویه سازمانی است. مسئله مهم این است که این کشور براساس چه الگوها و روشهایی سیاست خارجی خود را تدوین می‌کند. در حال حاضر وزارت خارجه نقش همتایان خود را در دیگر کشورها ایفا نمی‌کند. به‌طور کلی سیاست خارجی در این کشور بیشتر امری فردی است تا سازمانی. دومین مسئله دلمشغولی ارمنستان به بحران قره‌باغ است. این دلمشغولی سد راه توانایی ایروان در ارائه یک سیاست خارجی قوی شده است. اهدافی را که این کشور در سیاست خارجی خود می‌تواند مطرح و تعقیب نماید بسیار محدود است. زیرا بحران قره‌باغ با توجه به اهمیت اقتصادی و راهبردی، برداشت جوامع بین‌المللی را نسبت به این کشور و روابطش با دیگر کشورها تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی